

# پیروزی باد خلق قهرمان آلبانی

رفقای گرامی!

سی سال پیش در آسمان اروپا ستاره تابناکی درخشیدن گرفت که با فروغ خود راه خلق‌های انقلابی را بسوی جامعه نوین سوسیالیستی منور ساخت. این اختر تابان جمهوری توده‌های آلبانی بود.

خلق قهرمان آلبانی تحت رهبری حزب کار آلبانی سلاح در دست و با تکیه بر نیروی خود اشغالگران فاشیست آلبانی و ایتالیایی را از کشور خود راند و جمهوری توده‌های آلبانی را بنیاد نهاد. این پیروزی عظیم نقطه عطفی در تاریخ مبارزات خلق آلبانی علیه اشغالگران بیگانه بود، نقطه عطفی که سرنوشت خلق آلبانی را از ریشه درگونی ساخت و آنها را در مسیری نو، در مسیری ساختمان جامعه‌ای فارغ از ستم ملی و طبقاتی انداخت. در مسیر ساختمان جامعه‌ای آباد، آزاد، مستقل و شکوفان دستاوردهای بزرگ خلق آلبانی طی سی سال گذشته در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، سرشتی که خلق آلبانی به خلق‌های انقلابی برای نيل به آزادی و استقلال و ترقی و رفاه عرضه داشته و میدارد حاکی از اهمیت تاریخی این پیروزی است.

طی سی سال گذشته خلق آلبانی تحت رهبری حزب کار آلبانی کیمه صاعی دشمنان را که میخواستند زیرا از راه سوسیالیسم به بیراهه بکشانند، رشد و تکامل آنها متوقف گردانند و استقلال و آزادی وی را برانند، عقیم گردانند. خلق آلبانی در این پیگسار هرگز از مشکلات نهراسید، هرگز در برابر زور تسلیم نشد و هرگز با اصول سوداگری نکرد. باین گوی در مبارزه با استقلال خود و قدرت سوسیالیستی را حفظ کرد و استحکام بخشید و آلبانی را از کشوری فلاحی و عقب مانده به کشوری سوسیالیستی با صنایع مدرن، راه کشاورزی اشتراکی، ترقی و آموزش فرهنگ سوسیالیستی غنی تبدیل نمود. جنبش توده‌های وسیع بخاطر انقلابی کردن سراسر حیات جا و ایجاد انسانهای نوین سوسیالیستی، دیکتاتوری پرولتاریا را تحکیم کرد، آوازه دستباز روزیونیسم صون داشت و نیروهای تولیدی جامعه را حقیقا به پیش براند.

مبارزه بی امان و آشتی ناپذیر خلق آلبانی علیه امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، علیه سوسیالیسم امپریالیستی و علیه ارتجاع و نژادگرایان بی شایسته و برادرانه خلق آلبانی به خلق‌های انقلابی هر روز بر اعتبار و حیثیت جمهوری توده‌های آلبانی در صحنه جهانی بی افزاید.

خلق قهرمان آلبانی تحت رهبری حزب پر افتخار کار آلبانی پرچم روزیونیسم مارکسیسم-لنینیسم را پیوسته برافراشته و در راهت از نگاه داشت، از مارکسیسم-لنینیسم در برابر روزیونیسم دفاع کرد، با روزیونیسم دلیرانه رزمید. مبارزه حزب کار آلبانی با روزیونیسم به همه عناصر مارکسیست-لنینیست الهام بخشید و آنها را در مبارزه با روزیونیسم مصمومتر گردانید. مبارزه حزب کار آلبانی علیه روزیونیسم در تاریخ جنبش کمونیستی جهان با خطوط برجسته و زرین ثبت شده است و این افتخار بزرگی برای خلق آلبانی است. جمهوری توده‌های آلبانی امروز در مستحکم سوسیالیسم است. پیروزیهای آن شرف خط مشی انقلابی است که حزب کار آلبانی بر رهبری مارکسیست-لنینیست بزرگ رفیق انور خوجه استوار و بی تزلزل آنها دنبال کرده است.

رفقای ارجمند در این موقع که خلق آلبانی با شور و شوق و سرشار از غرور دستاوردهای بزرگ سی ساله خود را جشن میگیرد، اجازه دهید بنام خود و بنام خلق ایران سی امین سالگرد جمهوری توده‌های آلبانی را به شما رفقای گرانقدر و از طریق شما به پرولتاریا و خلق آلبانی شادباش بگویم. سازمان ما بحق در شادی خلق آلبانی شریک است زیرا پیروزیهای خلق آلبانی را از آن خود و از آن طبقه کارگر ایران میدانند. ما یقین داریم که خلق آلبانی در آینده به کامیابیهای بازم درخشانیتری نائل خواهد آمد و نقش خود را بنیادین در سوسیالیسم با نیروی بی رتبه‌تر بازی خواهد کرد.

خجسته باد سی امین سالگرد جمهوری توده‌های آلبانی!

پیروزی باد خلق قهرمان آلبانی!

افتخار بر حزب کار آلبانی!

افتخار جاوید آن پر مارکسیست-لنینیست بزرگ رفیق انور خوجه!

سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان

۲۸ نوامبر ۱۹۷۴

## با اصول انقلابی سوداگری نشاید

موقعیت از دست رفته خود را بازیابند. در تاریخ مبارزات و انقلابات طبقه کارگر نمونه‌های این حکم کم نیست. "جبهه ملی" نیز از این حکم مستثنی نیست.

بیش از ده سال "جبهه ملی" بر اثر خیانت و درود بسته "کمیته مرکزی و ضعف نیروهای مارکسیست-لنینیست، در جنبش ملی و موکراتیک خارج از کشور سیادت داشت و چون نقش انقلابی بازی میکرد تمام جنبش‌بار و پشتیبان آن بود پشتیبانی

بیدریغ و همه جانبه سازمان ما از "جبهه ملی" در جنبش خارج از کشور بعلت خصلت انقلابی "جبهه" و نقش انقلابی آن بود و این پشتیبانی ما از "جبهه ملی" و مناسبات دوستانه (و البته یکجانبه) ما حتی از نظر روزیونیسما نیز پنهان نماند بود.

طی ده سال گذشته در جنبش خارج از کشور تحولات بسیاری پیش آمد؛ نیروهای مارکسیست-لنینیست کم کم توانستند با اشاعه نظریات و افکار انقلابی خود در توده‌های دانشجویی نفوذ کنند. گسترش دامنه نفوذ نیروهای وفادار به طبقه کارگر کم کم سیادت بلافاصله "جبهه ملی" را در جنبش ملی و موکراتیک خارج از کشور در زیر علامت سوال قرار داد؛ صاعی "جبهه ملی" برای حفظ موقعیت خود اثری بخشید و همین ناکامی، "جبهه ملی" را بر آن داشت که از جنبش ملی و موکراتیک خارج از کشور روی برتازد و بسوی گروهی از دشمنان خلق و بطور مشخص به درود بسته "کمیته مرکزی و سوسیال امپریالیستی پیروی گرایش یابد.

دو سال پیش نشریه "باختر امروز" متعلق به "بخش خاورمیانه سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور" نغمه نوی ساز کرد و با آن باب گرایش بسوی شوروی و مسال آنرا کشود. این نشریه

بقیه در صفحه ۲

هر روز که میگذرد این حقیقت که "بخش‌های مهمی از وابستگان جبهه ملی راه خود را بطرف شخص از راه گروه‌های مائوئیستی جدا کرده و در جهت وحدت با نیروهای واقعا انقلابی و ضد امپریالیستی چین (۲۲) ما کام بر میدارند" (مجله دنیا) بیشتر جبهه نامیون خود را مینمایاند و این امر نمیتواند مایه تاسف نیروهایی که واقعا شیفته آزادی و استقلال چین اند و بخاطر آن میمانند تا همیشه، نباشد. اما این امر با توجه به ماهیت طبقاتی "جبهه ملی" نه شکست انگیز است و نه غیر قابل انتظار. طبقات غیر پرولتری تا زمانی در "جبهه" انقلاب، در کنار توده‌های خلق باقی میمانند که بتوانند به منافع طبقاتی خود جامه عمل بپوشانند. اما همینکه پرولتاریا در پیشاپیش توده‌های خلق بخاطر تحقق آرمانهای طبقاتی خود به پیش می‌تازد، آنگاه این طبقات که منافع خود را در مغایره می بینند، برای پیروزی پرولتاریا و توده‌های مردم نخست به چرکوب آنها می‌پردازند و چنانچه باز هم توفیق نیابند به دشمنان خلق می‌پیوندند تا بباری آنها

# توفان

۸۸ دوره سوم

انگلیسی زبان مارکسیستی توفان

## جهان پاک از این هردو ناپاک به!

در فاصله دو هفته دو مانور دریائی در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند صورت گرفت نخست مانور نیروی دریائی ایران که در اواخر نیمه اول آبان ماه برگزار شد و سپس مانور دریائی سنتسو با شرکت آمریکا، انگلستان، ایران، پاکستان و ترکیه که روز ۱۹ نوامبر (۲۸ آبان) آغاز گردید و سی ام نوامبر پایان یافت. مانور نیروی دریائی ایران در حقیقت تکرار بود برای شرکت در مانور دریائی سنتسو در اقیانوس هند در مجاورت شبه جزیره عربستان، در مجاورت مناطقی که بزرگترین ذخائر نفت در آنجا نهفته است.

ورود ناوگان آمریکا به اقیانوس هند، مانور دریائی سنتسو سپس ورود ناو هواپیمابر آمریکائی همراه با دو ناوشکن مجهز به موشک به آبهای خلیج فارس و توقف آنها در بحرین بحق نگرانی خلق‌های منطقه اقیانوس هند و بویژه خلق‌های عرب را برانگیخته است. یادآور شویم که از سال ۱۹۴۸ به بعد این اولین باری است که یک ناو هواپیمابر آمریکائی به آبهای خلیج فارس وارد میشود.

مانور دریائی سنتسو در اوضاع و احوالی صورت گرفت که منطقه نفت خیز خلیج فارس به نقطه حساسی در اقتصاد و سیاست جهان تبدیل شده است. این مانور حاکی از آنست که خطری مناطق نفت خیز کشورهای عربی را در خلیج فارس تهدید میکند و این خطر روز بروز نزدیک و نزدیکتر میشود. در هفته های اخیر مقامات رسمی کشورهای عربی این نکته را متذکر شده اند که آمریکا در صورت تحریم مجدد نفت از جانب کشورهای عربی میخواهد با لشکرکشی نظامی مناطق نفت خیز عربی خلیج فارس را اشغال کند و این از حقیقت چندان دور نیست. امپریالیسم آمریکا دیری است که ارتش خود را برای جنگ در سرزمین‌های سوزان و بی آب و علف آماده میکند. تمرین‌های نظامی ارتش آمریکا در صحرائ سوزان جنوب غربی ایالات متحد آمریکا در یکی دو سال پیش در حال بر این امر است. همان موقع خطوط جهان و از آنجمله مطبوعات آمریکا هدف این تمرین‌های نظامی و خطر تجاوز آمریکا به کشورهای نفت خیز عربی را خاطر نشان ساختند. با گذشت زمان و جریان حوادث شاین خطر روز بروز آشکارتر و نزدیک تر شد.

تحریم نفت و افزایش قیمت نفت در جنگ اخیر خاورمیانه بحران اقتصادی کشورهای صنعتی غرب را حدت بخشید. زمام داران آمریکا که به پیچرویی حاضر نیستند حتی یک شاهی هم از ضایع افسانهای انحصارهای نفتی کاسته شود با وقاحت آشوری تورم و گرانی دنیای غرب را به حساب افزایش قیمت نفت میگردانند و مسئولیت آنها را به گردن کشورهای تولید کننده نفت می‌اندازند. آنها ابتدا کوشیدند به کمک دستیاران خود در سازمان اوپک بهای نفت را پائین آورند؛ سپس توطئه کردند که استخر اجزای نفت را افزایش دهند و با استفاده از قانون عرضه و تقاضا بهای نفت را در بازار جهان تنزل دهند. بقیه در صفحه ۳

## به دوستان و هواداران نشریات توفان

انتشار ماهنامه و نشریات توفان فقط مرهون کمکهای مادی ارزنده و بیدریغ اعضا و هواداران سازمان و علاقمندان به نشریات آن است. طی رقم این کمکهای گرانبها مشکلات مالی هیچگاه دست از گریبان سازمان ما برنداشته و اکنون گرانی سرسام آور ناشی از تورم جهان کنونی مشکلات مالی سازمان ما را و چندان کرده است. سازمان ما با اعتقاد راسخ به اینکه هر مشکلی را با کمک و پشتیبانی توده‌ها میتوان کشود، مانند همیشه بر دوستان و هواداران خود تکیه میکند و از آنها می‌طلبد که در رفع مشکل مالی که هر روز بر حدت آن می‌افزاید به سازمان توفان یاری رسانند.

دوستان! کمکهای مادی شما ضامن ادامه انتشار نشریات توفان است، از کمک مالی به سازمان توفان دریغ نبریزید.

## یا با مارکسیسم علیه روزیونیسیم، یا با روزیونیسیم علیه مارکسیسم راه دیگری نیست

بقیه در صفحه ۲



با اصول... بقیه از صفحه ۱ در مقالای تحت عنوان "قطعی شدن خاورمیانه" برای امپریالیسم شوروی حساب خاصی متفاوت با امپریالیسم آمریکا بازکرد و نوشت: "با وجود شناختی که از سیاست شوروی داریم این سیاست لاف هنکار و هم پیمان صهیونیسم نیست"، یا "با وجودی که نفوذ شوروی مطلوب آزاد یخواهان نیست ولی نفوذ آمریکا صد برابر بدتر است" (شماره آذر ۱۳۵۱). سازمان ما همان موقع در ارگان خود هشدار داد که امپریالیسم خوب و بد ندارد و این قضاوت باختار امروز "از عدم توجه لازم به ماهیت امر است و میتواند در آینده موجب نتیجه گیریهای زیانمند گردد". این نتایج زیانمند هم اکنون در برابر ما است.

"جبهه ملی" در خارج از کشور با آنکه از استعمال واژه امپریالیسم در مورد شوروی خود داری میوزید ولی شوروی را با بیانی توصیف میکرد که از آن چیزی جز امپریالیسم مذهبونی <sup>اقتدار</sup> مثلا نشریه "ایران آزاد" در یکجا خطاب به نخست وزیر شوروی چنین مینویسد: "... سیاست شما دفاع از مبارزه، خلقها علیه استعمار نیست، دفاع از منافع آنان نیست، دفاع از منافع اتحاد شوروی است. در هر جای دیگر نیز (واژ آنجمله در فلسطین-توفان) شما بشرطی از نهضتی حمایت میکنید که نفع شما این دفاع را ایجاد کند" "درست است شما بر سر دفاع از مبارزه ضد استعماری نمیتوانید با خونخوارترین امپریالیسم تاریخ تفاهم کنید؟ راهی که برای شما میان اینست که با تان منافع خود در بعضی نقاط گیتی، دست حریف را در بعضی نقاط دیگر بازگدارید" (شماره ۳۳، ۱۳۴۴)

"ایران آزاد" در جای دیگر منافع شوروی و آمریکاراجع میدهد: "در عین حال که امپریالیسم بین الطلی (۲) و اتحاد شوروی در زمینه مسائل عده بین الطلی از در سازش با یکدیگر درآمدند معینا بر سر چپاول منابع زیرزمینی کشورهای ستمکش و حاصل دسترنج این ملل فقیر تضاد های فراوانی بین امپریالیسم و شوروی وجود دارد که هر کدام سهم خود کوشش مینمایند نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی خویش را با تضعیف موضع دیگری توسعه بخشند" (شماره ۶۲، ۱۳۴۸)

(تکیه از توفان) بدین ترتیب اتحاد شوروی "منابع زیرزمینی کشورهای ستمکش را" چپاول میکند، "حاصل دسترنج این ملل فقیر را" میریاید و مناطق "نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی خویش را... توسعه میبخشد". این صفات جز از استعمار و امپریالیسم نمی تراود. در ضمن نشریه به سازش و مبارزه شوروی و آمریکا بر سر مناطق نفوذ با صراحت سخنان میراند. از این جملات بروشنی برمیآید که "جبهه ملی تفاوتی میان امپریالیسم شوروی و امپریالیسم آمریکا نمی دید و بدرستی نمیدید. عمل "جبهه ملی" نیز در این دوران در انطباقی با این نظریات بود. نفع نو "جبهه ملی" بهیچوجه حاکی از تغییر در ماهیت امپریالیستی شوروی نبود، چنین تغییری مطلقا وجود نداشت؛ "جبهه ملی" با این نفع در واقع از همان زمان راه خود را از راه جنبش دموکراتیک ملی جدا میکرد و در این راه پیش میرفت.

در تاریخ ۸ ژانویه اسامی، بمنظور دفاع از جنبش خلق عمان اعلامیه ای انتشار مییابد که در پای آن اعضای "جبهه ملی" در کنار سازمانهای "حزب دموکرات کردستان (ایران)"، "جبهه آزاد بیخس اهواز"، "جبهه خلقی برای آزادی فلسطین" چشم میخورند. اعضای "جبهه ملی" در کنار این سازمانها هیچ معنی دیگری جز برسمیت شناختن آنها ندارد. همه و از آنجمله نویسنده "لوئوند دیپلوماتیک" نیز از آن چنین درک داشتند. اما نشریه "باختر امروز" طی رضم هرگونه عقل سلیم مدعی است که اعلامیه ای که بمنظور دفاع از جنبش خلق عمان (ظفار) توسط سازمان ما و سازمان های فلسطینی و تعداد دیگری از سازمانها در تاریخ ۸ ژانویه ۷۴ اضا شد، این شبهه را در پارهای محافظ و مطبوعات (منجمله لوئوند دیپلوماتیک) چون آورده است که ما کلیه سازمانهای اضا کننده اعلامیه را مورد تایید قرار دادیم. این تصور مبتنی بر واقعیت نیست. غرض ما از اضا این اعلامیه تایید ضمنی سازمانها و خط مشی و اهداف اضا کنندگان... نبوده است" (شماره ۵۰، تیر ۱۳۵۲) (تکیه از توفان است).

آیا "جبهه ملی" پس از سالها اشتغال به سیاست اینقدر

ساده لوح است که نمیداند اضا خود را نباید همراه با سازمانهایی که ماهیت، خط مشی و اهداف آنها مورد تایید نیست دریای سندی گذاشت ولو آنکه این -ند بخاطر دفاع و پشتیبانی از خلق قهرمان ظفار باشد؟ آیا "جبهه ملی" نمیتوانست خود بتنهائی اعلامیه ای در پشتیبانی از خلق ظفار انتشار دهد؟ آیا نیروها و سازمان های سیاسی ایرانی دیگر نبودند که با آنها به صدور چنین اعلامیه ای مبادرت ورزید؟ آیا "جبهه ملی" با این عذر بدتر از گناه حاضر است فردا با "حزب ایران نوین" در تایید اشغال جزایر سه گانه -خلیج - فارس که آنها را "جز" لاینک خاک ایران" میداند سندی اضا کند؟

اگر واقعا موضوع بهمین جا خاتمه مییافت آنرا ممکن بود ناشی از اشتباه دانست و از آن گذشت. اما با دقت کسی از ماهیت این سازمانها و اهداف آنها که نمیتواند از دید "جبهه ملی" پنهان باشد معلوم میشود که سخن بر سر سهو و اشتباه نیست. سازمانهای مورد نظر همه مخلوق شوروی اند، دواتی آنها با دست عمل شوروی و بمنظور تجزیه ایران ایجاد شده اند و مطلقا نمیتوان آنها را بحساب جنبش های ملی گذاشت. نظر سازمان ما در مورد مسئله ملی در ایران با صراحت تمام بیان شده و ماضیقا بدان وفاداریم؛ لکن ما نمیتوانیم موافق باشیم که امپریالیسم شوروی یا هر امپریالیسم دیگری خاطر مطامع و آرزندهای خود تمامیت ارضی ایران را در مخاطرات بگذارد. میهن ما را به تجزیه بکشاند. تحریکات سوسیال امپریالیسم شوروی را در میان خلق های ایران بمنظور تجزیه میهن ما نمیتوان با اصل حق تعیین سرنوشت ملت ها برابر گرفت و با آن موافقت داشت. همه از سلاحياتی که از وزارت خارجه عراق به سفارت این کشور در پاکستان به نیت پخش در میان شورشیان بلوچ ارسال گردید باخبرند. آخر دولت عراق که خود با مسئله کردها دست بگریبان است چگونه میتواند با تجزیه کشور دیگری موافق باشد و سلاح در اختیار تجزیه کنندگان بگذارد؟ نقشه ای که از "کشور بلوچستان" در مطبوعات ایران بچاپ رسید و حتی رادیو شوروی بیک ایران نیز نتوانست با قاطعیت آنرا ساخته رژیم شاه اعلام کند، تمام کرمان، سیستان، بخش بزرگی از ایالت فارس و تمام قسمت شرقی خراسان را در بر میگرفت و با اتحاد شوروی هم مرز میشود! بلوچستان کجا و مرز اتحاد شوروی کجا! روشن است که در پشت این پرده دست اتحاد شوروی در کار است و "جبهه ملی" نمیتواند به این حقایق واقف نباشد. بیاضا باینکه وجود خلق های ایران را هم افسانه میداند و با هیچ جنبش ملی سرسازگاری ندارد. کدام سازمانی حاضر است اضا خود را در زیر سندی در ردیف سازمانها نسی بگذارد که با دست امپریالیسم بمنظور تجزیه ایران آفریننده شده اند؟ بدینسان مسلم است که اضا "جبهه ملی" را در پای اعلامیه مشترک جز قومی در راه نزدیکی به دارو دسته کیمته مرکزی و سوسیال امپریالیسم شوروی طور دیگری نمیتوان تعبیر کرد.

نزدیکی "جبهه ملی" به دارو دسته کیمته مرکزی بهمین -جا متوقف نمیگردد و گاز بجائی میرسد که از اضا دارو دسته کیمته مرکزی بعنوان "فرزند خلق" نام میرود و اعضای کیمته مرکزی را در ردیف فرزند ان قهرمانی مانند احمد زاده، بدیع زادگان، مهرنوش ابراهیمی، برادران رضائی، پاک نژاد، گل - سرخی، اشرف دهقانی و دیگر قهرمانان میگردد.

سازمان ما در موقع خود ضمن مقالاتی در توفان بروشنی اعلام داشته است که با راهی که این مبارزان در پیش گرفته اند موافق نیست و هنوز در موضع خود باقی است. اما سازمان ما برای این فرزند ان انقلابی، احترام عینی دارد، از شجاعت، تهور و جسارت انقلابی، فد اکاری و از خود گشتگی آنان، از وفاداری آنان به امر انقلاب درس میگیرد و اعضای سازمان ما میکوشند این خصائل انقلابی را سرمشق قرار دهند. عنوان پرافتخار "فرزند خلق" برازنده این قهرمانان است. ناچردن از اعضای کیمته مرکزی بعنوان فرزند خلق، قرار دادن نام فرزند ان خلق در کنار افرادی از دارو دسته کیمته مرکزی توهمی به مقام والای این فرزند ان خلق است و هیچ مبارز انقلابی نمیتواند بر آن صحنه گذارد.

"جبهه ملی" در گذشته چه خوب مینوشت: "چهیستوان

گفت به آنهائی که چون قبا حان حرفهای در چهار سوخی بازار سیدان دهان به تقبیح جنازه منته شده و الا ترین فرزند ان خلق حیات کف و ناسزا پر کرد ماند و آنهم بنام اپوزیسیون و در زوروق اصطلا سیاسی ای از قبیل "انارشسیم"، "سکارسیم" و غیره -حساب و حواله کسانی که شرم از رسوائی ندارند به سنگ و ناسزی ای کودکان کوچه و بازار است و بس" (ایران آزاد شماره ۸۰، تیر ۱۳۵۰).

حالا همین "جبهه ملی" که خود را وارث بلاطی از اوقات این فرزند ان خلق هم میداند بیسی ندارد که مقام آنها را تسا درجه اعضای دارو دسته کیمته مرکزی تنزل دهد و برای توجیه خطای خود افراد کیمته مرکزی حزب ریزیونیست را با میلیونها کارگر ساده فریب خورده همسطح بگذارد. فقط کسانی این عذر بدتر از گناه را می تراشند که میخواهند سازش خود را با ریزیونیسم توجیه کنند.

باری "جبهه ملی" با گرایش جدی بسوی گروهی از دستمندان خلق در راهی گام گذاشته که نتیجه آن قرار دادن خود در خارج از جنبش دموکراتیک ملی است. چنین پیش آمدی اگرچه عمیقا نابه و ناسف و ناثر ما است ولی واقعیتی است انکار ناپذیر. ما هنوز امید داریم که "جبهه ملی" به جمع دوستان خود بهیچوجه و در مبارزه علیه رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا و شوروی یار و همنگر آنها باشد. ولی اگر این امید به ناامیدی بدل شود هرگونه همکاری و همدانسانی با "جبهه ملی" در روشن از غلطی مشی انقلابی، در روشن از آرمانهای انقلابی خلق های ایران و اقتادن در دام سوسیال امپریالیسم شوروی و عمل ایرانی آن یعنی دارو دسته کیمته مرکزی است.

دوستانی بما "اندرز" میدهند که باید نرزش بخرچ "آوانس" داد و "جبهه ملی" را از گسستن از جنبش بازداشت سازمان ما در قبال "جبهه ملی" هرگز از نرزش و گذشت دریغ نورزیده است. اما در موقعی که این "جبهه" راه کجی اختیار کرده و با لجاجت شکستی آنرا دنبال میکند وظیفه همه نیرو های انقلابی است که با انتقاد دوستانه "جبهه" را از ادامه این راه برحذر دارند. در چنین لحظهای روش ماضیات و کجدار و مریز تودها را به گمراهی خواهد کشانید و جز تسلیم در برابر کجروی مفهوم دیگری نخواهد داشت. این دوستان بجای آنکه با اندر زهای خود "جبهه ملی" را براه راست آورند در واقع بما راه تسلیم می آموزند و خود میدانند که بر سر اصول نمیتوان سازش کرد، نمیتوان مرز میان دوستان و دشمنان را زدود.

جنبش دموکراتیک ملی ما بر سر دوراهی است: یا همراه با سوسیال امپریالیسم شوروی و دارو دسته کیمته مرکزی علیه آزادی و استقلال خلق های ایران و با همراه با خلق های ایران علیه سوسیال امپریالیسم شوروی و دارو دسته کیمته مرکزی بخاطر آزادی و استقلال. راه سومی نیست. هرگونه ماضیات در حکم روی گردانیدن از اصول انقلابی، روی گردانیدن از آرمانهای طبقه کارگر است و سازمان ما هرگز به آن تن در نخواهد داد.

### باز هم ذرفشانی های شاه

"روستانشینان هم که معنی ندارند بروند در عمارت های ۱۲ یا ۲۰ طبقه، ولی اساس فکر اینست که شهرهای ما باید در مرتبه نوسازی بشود، قبلا یک محل هائی بسازید تا افرادی که در محل های قدیمی کثیف و غیر بهداشتی زندگی میکنند منتقل بشوند به آن محل ها و این محل های غیر بهداشتی در هم کوبیده شود و صاف شود و بیشتر برای فضای سبز مورد استفاده قرار گیرد و یا اینکه اگر لازم است آنجاها در مرتبه ساخته میشود و بعد یکمدهای را از جای دیگر منتقل بکنید بمآن نقطه و آن محل را در مرتبه میکوبید و صاف میکنید و همینطور تا اینکه تمام اهالی شهری از جاهای بد غیر بهداشتی فعلی منتقل بشوند بیک - مسکن های تطبیق شده با محیط ملکت یکی از بهترین وسیله ایجاد فضای سبز اتفاقا همین است که ما میرویم روی ارتفاع کیهان هوائی شنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۲

البته بهتر است قبل از صاف کردن چیزهای دیگر اول هیگل منحوس این "نابغه" قرن بیستم را با غلطک صاف کرد و بعد رفت روی ارتفاع.



### « تسهیلات فوق العاده برای جلب سرمایه‌های خارجی در کشت و صنعت »

ایران اعلام کرد که برای سرمایه‌گذاری خارجی در کشاورزی که با صنعت توأم باشد هیچگونه محدودیتی قائل نمیشود و سرمایه‌گذاران از هر جای دنیا میتوانند تا هشتاد درصد از سرمایه‌گذاری در اجرای چنین طرح‌هایی را از داخل تأمین کنند. پیشنهاد ایران در این مورد در کنفرانس علوم و کشت و صنعت لندن مطرح شد و نماینده ایران تأکید کرد که برخلاف کشورهای دیگر که شرایط واحد و مرزهایی برای سرمایه‌گذاری خارجی می‌شناسند، ما در بخش کشاورزی مشکلی در سر راه خارجیان ایجاد نکرده‌ایم و از هر پیشنهادی در این زمینه استقبال میکنیم.

تسهیلات استثنائی - يك مقام وزارت کشاورزی در مورد تسهیلاتی که ایران برای سرمایه‌گذاری خارجی در کشت و صنعت در نظر گرفته است گفت ما به کسانی که در کشت و صنعت سرمایه‌گذاری میکنند وام‌های کم بهره تا نصف سرمایه‌گذاری می‌دهیم و حاضریم زمین قابل آبیاری را برای مدت دراز و با قیمت کم اجاره بدهیم و برای ورود ماشین‌ها و مواد خام اولیه طرح‌ها نیز

غارت ... بقیه از صفحه ۴ روسی روانه کشور "کک" می‌شوند، تکنولوژی و حجم تولید در کنترل شوروی است. تأمین قطعات یدکی و لوازم دیگر فقط از شوروی امکان پذیر است. بدین ترتیب کنترل این موسسات بدست شوروی می‌افتد و کشور دریافت کننده "کک" در وابستگی به امپریالیسم شوروی خواهد افتاد. هر زمان که شوروی اراده کند، میتواند از دادن قطعات یدکی امتناع ورزد و کارخانه از کار خواهد ایستاد. همه از سرنوشت سلاجهای شوروی که به مصر فروخته شده اطلاع داریم که احتیاج به قطعات یدکی بالاخره مصر را مجبور کرد دوباره دست نیاز بسوی شوروی دراز کند.

تهران اکنون بیست نمونه‌ای از آنرا در کشور خود مایه دست میدهد و درباره تجهیزات شوروی مینویسد: "از جانب دیگر چون وسائل یدکی آنها ( منظور شوروی و کشورهای شرقی اروپا است - توفان ) هم منحصر بخودشان است کشور خریدار ناچار است آنرا بهر قیمتی که تعیین کند خریداری نماید و چه بسا قیمت وسائل یدکی از خود کالا گران تر تمام میشود بعنوان مثال ... در تاسیسات سازمان بنادر و کشتی رانی و گمرک بندر پهلوی ... چند دستگاه لیفت تراک ... از یکی از کشورهای شرقی اروپا خریداری شده بود که زحمت فراوانی بوجود آورده بود. وقتی علت را جویا شدیم معلوم شد با وجودی که تعداد آنها ۱۰ دستگاه بوده معذک باطری همه تمام شده و بالتجربه پس از هفت ماه کوشش و فعالیت ناچار شده‌اند باطری‌های مورد نیاز را بمبلغ بیست هزار دلار خریداری نمایند در حالی که قیمت واقعی هر دستگاه در حدود ۱۰ هزار ریال ( باید دلار باشد - توفان ) بوده ولی چون دارای شرایط خاصی است بناچار از همان کشور خریداری نمودند. در مورد کارخانه "نوب آهن اصفهان نیز وضع به همین منوال است. نتیجه این میشود که کار تاسیسات صنعتی "ککی" شوروی مانند سایر امپریالیست‌ها در گرو "مراحم و الطاف" زمانه‌اران شوروی است.

البته اتحاد شوروی پس از آنکه اصل و فرع سرمایه خود را مستهلک ساخت و تا آنجا که توانست دستنبرج زحمتکشان کشور "کک" زبره را غارت کرده آنگاه تاسیسات صنعتی را در اختیار دولت آن کشور میگذاشت. اما چه توقع این تحویل صورت خواهد گرفت معلوم نیست. کارخانه "نوب آهن اصفهان" که در ۱۹۵۵ ایجاد شده هنوز هم با دست کارشناسان و تکنیسین‌های شوروی می‌گردد و همساله مقداری از محصول آن به اتحاد شوروی می‌رود. بطوری که مطبوعات هند مینویسند در کارخانه فولادسازی بوکارو به بهانه "کک فنی" سیصد کارشناس روس حضور دارند و هنوز صد کارشناس دیگر باید بر سر روزنامه هندی مارچ آو نیشن در این زمینه چنین مینویسد: "بوکارو این شهر بزرگ نوب آهن که بزودی مرکز صنعتی صنایع نوب آهن هند خواهد شد از همین امروز يك مستعمره واقعی شوروی است."

چنین است ماهیت "کک" امپریالیسم شوروی که هیچ تفاوتی با "کک" امپریالیست‌ها و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا ندارد.

معافیت‌هایی قائل شویم. مقام وزارت کشاورزی تأکید کرد که از سوی دیگر دولت همچنان از بهای حساس تولید حمایت میکند و از راه بستن قرارداد های بلند مدت خرید با تولید کننده، فروش فرآورده‌ها را تضمین خواهد کرد. تأمین آب و نیروی برق منظم و کافی به نرخ ارزان، ساختن رایگان راه‌های فرعی و کانال آبیاری و دادن اعتبار بانکی با بهره کم از جمله تسهیلاتی است که دولت برای مجریان طرح های کشاورزی در نظر گرفته است. وی خاطر نشان ساخت که سرمایه‌گذاران خارجی از مزایای قانونی حمایت سرمایه‌های خارجی و همچنین حق برگردانیدن سرمایه و سود به کشور مبدأ برخوردار خواهند بود و به همین جهت هیچ مسئله‌ای وجود ندارد که سرمایه‌گذاران خارجی را از توجه به بازار پر رونق ایران باز دارد.

کیهان هوایی شنبه ۱۱ اسفند ۵۲ آب و خاک و برق و وام و مزد در وقت در کاراند تا کم محصول بدست آید و بانکسی بپسرد

جهان‌پاک ... بقیه از صفحه ۱ آنگاه که از این تلاش‌های خود سودی نبوردند دست به تهدید و ارعاب زدند. فورد رئیس جمهور آمریکا در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کشورهای عربی تولید کننده نفت را تهدید کرد که از صدور مواد خوراکی به این کشورها خودداری خواهند ورزید. وزیر خزانه‌داری آمریکا در برابر سناتورهای آمریکائی اعلام کرد که ایالات متحده ممکن است مجبور شود برخی از جنبه‌های سیاست خود را در قبال کشورهای تولید کننده نفت عوض کند تا در تلاش بین‌المللی برای درهم شکستن قدرت انحصار نفی جهانی دست بازتری داشته باشد و بتواند قیمت نفت را مجبور به ارزان شدن کند.

سپس این تهدید صورت حادتری بخود میگردد. فورد رئیس جمهور آمریکا در کنفرانس جهانی انرژی در دیترویت پس از آنکه بدروغ وضع وخیم اقتصادی جهانی را به افزایش بهای نفت نسبت میدهد در پرده کشورهای عربی را تهدید به تجاوز و جنگ میکند. "در جریان تاریخ ملت‌ها برای تحصیل مزایای طبیعی مانند آب، خوراک یا حق عبور از سرزمین‌ها و آب‌ها به جنگ دست زده‌اند. اما در عصر هسته، اتم، در زمانی که هر نزاع محلی میتواند به فلاتک همگانی تبدیل گردد، جنگ مخاطرات غیرقابل قبولی برای تمام بشریت در بردارد. بدینسان فورد، جنگ، سلاح هسته‌ای و فلاتک همگانی را بر رخ میکشد برای آنکه کشورهای عربی را به تسلیم وادارد.

سناتور جکسون گام دیگری جلو برمیدارد: "مانند این دست روی دست بگذاریم و تماشا کنیم که معدودی و جوامعی را که در طول قرنهای ششادی بنا شده و اقتصادهایی را که از جنگ دوم تاکنون با کک آمریکا احیا و ترمیم گردیده‌است نابود کنند."

بالاخره وزیر خزانه‌داری آمریکا دیگر بی پرده و صریح از تجاوز سخن میراند: "کشورهای مصرف کننده نفت ناچاراً یا فعالیت‌های اقتصادی را به میزان قابل ملاحظه‌ای محدود کنند و یا بخاطر حمایت از منافع خود به اقدامات تجاوزکارانه تشویق شوند." البته محدود ساختن فعالیت‌های اقتصادی متضمن خطرات اقتصادی و سیاسی بزرگی برای بورژوازی است و نمیتوان بدان دست زد و لذا چنانچه مقصود حاصل نیاید "اقدامات تجاوزکارانه" مطرح میگردد. این سخنان درست هنگامی بر زبان می‌آید که مانور دریائی سنتودر مجاورت کشورهای عربی و خلیج فارس در جریان است.

مانور دریائی سنتو این تهدیدات لسانی را به مرحله عمل نزدیک کرد. مانور دریائی سنتو بدون شک اقدامی بود بمنظور ارعاب کشورهای عربی تولید کننده نفت. تدارکی بود برای تجاوز به این کشورها در صورتیکه آمریکا نتواند نظر خود را در برابر تقابل بهای نفت به این کشورها بقولاند. در روزهای مانور دریائی سنتو قابل درک نیست. ورود ناو هواپیمای آمریکا همراه با دو ناوشکن به آبهای خلیج فارس همین هدف را دنبال میکرد. کشورهای عربی بدرستی مانور دریائی سنتو و ورود ناوهای

آمریکا را به آبهای خلیج فارس، در موقعی که بعضی از کشورهای نفتخیز ایالات متحده را بخاطر جانبداری آن از اسرائیل به تحریم نفت تهدید میکنند، نشانهای از دخالت نظامی احتمالی آمریکا در کشورهای عرب بخاطر پائین آوردن قیمت نفت و جلوگیری از تحریم میدانند. اما در ایران "ورود ناو هواپیمای آمریکا" کا نستلیشن "آمریکا به آبهای خلیج فارس در محافل نظامی و سیاسی امری عادی تلقی شده است که ارتباطی با بحران خاورمیانه یا تورم جهانی ندارد." حضور این ناوگان در این هنگام در خلیج فارس صرفاً تصادفی است و با اوضاع موجود یا تحولات احتمالی آینده ارتباطی ندارد. (کیهان ۵ آذر ۵۲). مقامات دولتی ایران با این پرده پوشی‌ها میکوشند هدف اصلی خود را در توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه کشورهای عربی تولید کننده نفت بپوشانند. در واقع هم دومین نتیجه‌ای که از این مانورها حاصل می‌آید نفی است که ایران در تحولات احتمالی آینده این منطقه بازی میکند. شاه ایران بدون دردی آزرده بارها علناً خود را جبری سیاست آمریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند خوانده است و تردیدی نیست که در توطئه علیه کشورهای عربی، بحریه ایران که میلیارد ها دلار را توسعه و تقویت آن به صرف رسیده و میرسد نقش دستیار امپریالیسم آمریکا را برعهده خواهد داشت. جالب است که مقامات آمریکائی وقتی از منطقه خلیج فارس و افزایش بهای نفت و جلوگیری از صدور مواد خوراکی سخن میکنند، علی‌رغم لاف زنی‌های شاه فقط کشورهای عربی را اراده میکنند. سناتور جکسون با راحت میگردد: "من درباره نهایی غیرعرب حرف نمیزنم. مقصود من نهایی عرب است." بنوشته ایران نوین "کسیبند در تهران با صراحت اعلام کرده است که بین ایران و آمریکا در زمینه مسئله بحران‌های جهانی و منطقه‌ای هیچگونه اختلاف نظری وجود ندارد." (دوشنبه ۱۳ آبان ۵۲)

مانور دریائی سنتو و شرکت ایران در آن، در کنار نیروی دریائی آمریکا یکبار دیگر پرده از روی این حقیقت برمیدارد که شاه ایران، همانطور که بارها بوضوح اعلام داشته، حضور امپریالیسم آمریکا را در آبهای اقیانوس هند ضروری می‌شمارد. از نوکر باوفائی چون محمد رضا پهلوی جز این انتظاری هنرپرور و اما دارنده "کمیته مرکزی" که چشم خود را بر ورود ناوگان نظامی شوروی به اقیانوس هند و آبهای خلیج فارس برای رسیدن دوستانه از امل‌القدر می‌بندد، از ورود کشتی‌ها هواپیما بر "کانستلیشن" همراه با دو ناوشکن به خلیج فارس برای دیدار دوستانه از بحرین برآشفته میشود. تبعیت این مردمان نیز از سیاست تزارهای نوین مایه شگفتی نیست. شاه و رویزها هر کدام بهینه اقیانوس هند و خلیج فارس را فقط جولانگه اربابان خود میخواهند. اما خواست خلق‌های این منطقه اینست که پای هر دو ابر قدرت از آبهای این منطقه برید شود و صلح و آرامش این منطقه بیش از این دستخوش طامع پلید آنها نگردد. خلق‌های منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس را نیازی به "دیدارهای دوستانه" نیست، دیدارهایی که هدف نهائی آنها ر بودن آزادی و دروندن خلق‌ها است. شعار خلق‌های منطقه چنین است: امپریالیسم آمریکا، سوسیال-امپریالیسم شوروی، بخانه‌ات برگردد!

### نشریه شماره ۳۹

سخنرانی انتخاباتی  
(۳ اکتبر ۱۹۷۴)

انسور خوجه

از چاپ خارج شد.

عنوان مکاتبات  
X.DR.GIOVANNA GRONDA  
87030 ARCAVACATA (CS) ITALY

حساب بانکی  
X.DR.GIOVANNA GRONDA  
CONTO 17549/11  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO/ITALY

## سازمان آزادی بخش فلسطین پیروز است



«دانشکده» ای برای شکنجه

و مجسمه‌ای بنام «آزادی»

هر چند ما در فرانسه چنین دانشکده‌های نمی‌شناسیم، اما در دنیا حداقل دو دانشکده از این نوع وجود دارد. یکی در واشنگتن و دیگری در ساپورولوی برزیل که ظاهراً دانشکده پلیس نامیده می‌شود و در واقع چیز دیگری جز مراکز عالی تربیت شش‌جگر بر طبق جدیدترین متد های "علی" و با استفاده از آلات و ابزار نوین بشمار نمی‌آیند.

... در اوائل سالهای ۶۰ ادوارد لاندال، سرهنگ سیا موفق می‌گردد به کندی بقولاند که آراپاسازی جهان سوم بکمک نیروهای پلیس از اقداماتی نظیر ارسال سربازان آمریکائی و یا تقویت ارتش‌های دستنشانده باصرفتر خواهد بود. و باین ترتیب در سال ۱۹۶۲ "اداره امنیت عمومی" آمریکا وابسته به آیس‌دی‌آر آنس توسعه بین‌المللی ایجاد گشته و همزمان با آن اولین دانشکده شکنجه جهان در منطقه کانال پاناما یا بحر صحره وجود مینهد و چندی بعد به واشنگتن نقل مکان میکند.

دانشکده مزبور که وظیفه تربیت شکنجه‌گران کشورهای جهان سوم را بمعده گرفته‌است در نزدیکی محوطه دانشگاه جرج تاون قرار داشته باز سالن‌های متعدد در سو ورزش و کنفرانس تشکیل گردید و دارای یکی از مدرنترین میسدهای تیر جهان است.

برنامه دروس نظری و عملی آن سیزده هفته بطول میانجا و آنگاه یک دوره تکمیلی تخصصی (البته در آدپکسی) در دهکده دور افتاده واقع در منطقه تکراس و در نزدیکی میز مکزیک آغاز میگردد. در اینجا روشهای مقابله با چریکهای شهری را به "شاگردان" می‌آموزند و آنها را با کاربرد مواد منفجره آشنایند تا این لحظه بیش از پنج هزار افسر و تکمیسین پلیس در دانشکده شکنجه واشنگتن تحت تعلیم قرار گرفته‌اند که به نوبه خود در بازگشت بکشورهای متبوع خویش و به یاری سفارت خانه‌های آمریکا بیش از صد هزار مأمور مخفیو شکنجه‌گر در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین تربیت گردانند.

دانشکده شکنجه واشنگتن همه ساله در حدود پانصد نفر شاگرد از کشورهای آمریکای لاتین، یونان، ترکیه، آسیای جنوب شرقی، مراکش اسرائیل، ایران، فرمزه... پذیرفته و تحت تعلیم قرار میدهد.

طریقه انتخاب آنان نیز بسیار ساده است. شکنجه‌گران آینده از میان پلیس‌های عادی کشورهای "دوست" آمریکا که بکار خود علاقه بیشتری نشان میدهند انتخاب گردید نخست در تشکیلات امنیتی "بکار گمارده میشوند. در اینجا است که نمایندگان مخصوص آمریکا که در واقع گردانندگی چنین سازمان‌هایی را بمعده داشته و فعالیت تک تک اعضا آنها را زیر نظر دارند، وظیفه شناس‌ترین آنها را جدا نموده با قبول گویه هزینه‌ها بسوی دانشکده مخصوص واشنگتن روانه می‌سازند. "پایان نامه تحصیلی" دانشکده مزبور برای دارندگان "امتیازات" فراوانی ببار می‌آورد. با پیچیدن هرچه سرعتر پلکان ترقی در سلسله مراتب اداری، حقوق و مزایای بیشتر نسبت به همکاران سابق و هم‌شان و بالاخره قرب و منزلت هرچه تماثر نزد اعضا "سفارتخانه آمریکا در محل... همه و همه" فقط در مقابل امضای یک تعهدنامه کوچک و سوگند وفا-داری به پرچم آمریکا... (مجله تونیاز کرتین - ارگان مسیحیان مترقی فرانسوی) (پنجشنبه ۱۳ دسامبر ۷۳)

مجله مزبور بدینال درج مقاله فوق شرح کاملی نیز از جریان شکنجه فرزندان لیر خلق علی اصغر بدیج زادگان عضو سازمان مجاهدین خلق ایران و مقاومت قهرمانانه او همراه با عکس و تفصیل منتشر نموده که خود شاهد گویائی است برین واقعیت که هیچ نیرو و وسیله‌ای بدرهم شکستن نیروی اراده انسانی مصمم و پیکارجو که عشق به خلق را در سینه می‌پرورد نخواهد بود.

غارت دسترنج خلق‌های دیگر

تنها ثروت‌های طبیعی و منابع زیرزمینی کشورهای کم‌شد نیست که در یک طمع امپریالیسم را بجوش می‌آورد؛ امپریالیسم در کنار غارت ثروت‌های این کشورها، نیروی کار ارزان را در اختیار دارد که میتواند به دلخواه استثمار کند، آنچنان استثمار ظالمانه ای که در کشورهای مترویل امکان پذیر نیست.

"نیاز امپریالیست‌ها فقط به ثروت‌های شرق زمین نیست برای آنها آن "ماتریل انسانی" "رام" لازم است که در مستعمرات و کشورهای نیمه‌مستعمره شرق زمین فراوان است. برای آنها "نیروی کار" "سازگار" و ارزان خلق‌های شرق زمین لازم است" (استالین).

برای کشورهای نظیر ایران، افغانستان، هند و غیره و غیره که در آنها سطح زندگی بطور وحشت‌آوری پائین است و در ضمن دولت‌های آنها برای جلب سرمایه‌های خارجی هرگونه حقوق صنفی و اجتماعی را از طبقه کارگر سلب میکنند، از مبارزه طبقه کارگر علیه استثمار و حشیانه، بخاطر بهبود شرایط زندگی و کار جلو میکشند. امپریالیسم محیط ابدالی برای استثمار و غارت دسترنج زحمتکشان میباید، از اینجهت صدور سرمایه‌های بکار افتادن در موسسات تولیدی صنعتی و کشاورزی در دنیای امروز پدیده‌های رایج و شگرفان است. بویژه که امپریالیسم مترویل این پدیده را بعنوان "کک" به کشورهای کم‌رشد بران رشد و تکامل نیروهای مولد و "صنعتی کردن" آنها جابزند. "کک" امپریالیست‌ها با بعبارت درست‌تر صدور سرمایه بخاطر تأسیس موسسات صنعتی، کشاورزی و تجاری هیچ تغییری در وابستگی این کشورها به امپریالیسم نمیدهد، سهل است بر وابستگی آنها نیز میفزاید. "کک" امپریالیسم در این موارد معنی دیگری جز استثمار نیروی کار ارزان این کشورها ندارد.

حال به بینیم اتحاد شوروی از این لحاظ در چه وضعی قرار دارد.

اتحاد شوروی تحت عنوان "کک" در یک رشت از کشورهای کم‌رشد موسسات صنعتی ایجاد میکند و سپس اصل و فرع سرمایه صادراتی خود را طی سالهای طولانی از محصولات تولید شده در این موسسات مستهلك میسازد. این نوع "کک" تا آنجا که ما اطلاع داریم مختص به اتحاد شوروی و کشورهای دست‌نشانده آنست. ظاهراً بنظر میرسد در این کار عیب و نقصی نیست؛ شوروی جنس میدهد و در ازای آن جنس میگیرد. اما در پشت این ظاهر معصومانه غارت دسترنج زحمتکشان نهفته است. دلیل آن هم اینست که در کشورهای کم‌رشد بعلت نیروی کار ارزان، مواد خام و مواد اولیه ارزان و مزایای دیگر، ارزش تولید محصول پائین‌تر از ارزش تولید در کشورهای صنعتی است و همین محصولات ارزان است که اتحاد شوروی بابت استهلاك اصل و فرع سرمایه خود تحویل میگیرد و درست از همین راه است که مانند هر امپریالیسم دیگر در استثمار و غارت دسترنج زحمتکشان کشورهای فقیر شرکت میجوید. مثالی بزینم:

فرض کنیم شوروی بعنوان "کک"، کارخانه "دوب آهن" به بهای ۲۱۰ میلیون دلار به کشور کم‌رشد میدهد و بهای آنرا با دریافت محصول کارخانه مستهلك میسازد. اگر بهای یک تن آهن را به قیمت بین‌المللی ۳۰۰ دلار بگیریم و فرض کنیم بهای آهن برابر ارزش تولید آنست و علی‌الاصول نیز چنین است دولت شوروی باید فقط ۷۰۰ هزارتن آهن بابت بهای کارخانه دریافت کند. اما در واقع چنین نیست. در کشور "کک" زده ارزش تولید محصول کارخانه پائین‌تر از ارزش تولید همین محصول در کشورهای صنعتی و مثلاً هر تن برابر ۲۱۰ دلار است. چو شوروی آهن را به قیمت ارزش تولید حساب میکند لذا بابت بهای کارخانه بجای ۷۰۰ هزارتن یک میلیون تن یعنی سیصد هزارتن بیشتر می‌برد. این مقدار که شوروی بر اینگان میگرد چیزی جز غارت دسترنج طبقه کارگر کشور کم‌رشد نیست و حاکمی

وجود اینگونه "دانشکده‌ها" و برگزاری چنین دوره‌های طولانی و مفصلی خود بهترین دلیل بر حدومرز بودن مقاومت خلق و برتری اراده و نیروی انسانی بر مدرنترین تکنولوژی‌ها است. به خاک مالیدن پوزه وحشی‌ترین قدرت امپریالیستی جهان که به عظیم‌ترین تکنولوژی تاریخ بشریت نیز مجهز بود توسط خلق‌های کوچک ویت نام و کامبوج دلیل دیگری بر این واقعیت است.

از ماهیت امپریالیستی اتحاد شوروی است. از اینطرف است که همساله مقداری از محصول فولاد کارخانه بهیلا می‌هند به اتحاد شوروی می‌برود. هم اکنون اتحاد شوروی موافقت کرده است برای هند یک کارخانه آلومنیوم به ظرفیت ۵۰۰ هزارتن بسازد بشرط آنکه همه تجهیزات لازم برای آن از شوروی خریداری شود و تمام محصولات کارخانه پس از شروع به کار، بابت قیمت تجهیزات به شوروی صادر شود بطوری که روزنامه اطلاعات (۱۹ اسفند ۵۲) می‌نویسد "شوروی طرح فنی و اقتصادی کارخانه پلیس ایزو پیرین (کاتدیوم صینوبی) را که در چهارمین اجلاس کمیسیون دولتی همکارهای اقتصادی ایران و شوروی دو کشور بر روی آن توافق رسیده‌اند تسلیم شرکت ملی پتروشیمی ایران کرد.

"خبرنگار ما در گزارش خود می‌نویسد باتصویر و اجرای این طرح، اوائل سال آینده کار ساختمان این کارخانه بظرفیت اولیه ۶۰ هزارتن در سال آغاز میشود. بر اساس توافقی‌هایی که بین دو کشور حاصل شده قرار است بخشی از تولیدات این کارخانه که مازاد بر مصرف ایران است حد اکثر تا ۵۰ هزارتن در سال به شوروی صادر شود."

این نوع غارت دسترنج خلق‌های شکنج که ظاهراً مختصاً به اتحاد شوروی دارد، روزی نیست، همان‌ها از این پستیانی از کشورهای کم‌رشد در مبارزه با امپریالیسم و "کک" به استقلال اقتصادی این کشورها از انظار مستور می‌آیند.

نباید فراموش کرد که طراحی این موسسات صنعتی به دست شورویها انجام میگردد و در انطباق با نیازند بهیلا و با لاقط منافع آنها است؛ برای ساختمان و سپس گرداندن این موسسات کارشناسان و تکنسین‌های

از خطرات یک سپاهی دانش

اینکه دولت ادعا میکند مالکین دیگر نفوذی در هند است یک ادعای بیج است زیرا یکی از شاهپورها که با دختر یکی از خان‌های این استان ازدواج کرده بود، بعنوان اولین ارمغان بعد از ازدواج پدر زنتش، دهی را که دهقانان آن اعتراض داشتند و قبلاً برای مالک مزاحمت فراهم کرده بودند شاید باور نکند که اهالی آنرا مجبور به اجرت کرده و لکن را خراب کردند. با اینکه خود شاهد آن بودم که یکی از ما دست سپاهی من را که درده او بود و من برای دیدن او و بد آنجا رفته بودم بصحرا دعوت کرد. دوستم که جوان بسیار روشنی بود گفت بی تا برویم و ببینی چگونه بیگاری از بین رفته است. وقتی که با یک آهوی بیابان مالک به خارج ده رفتم و مسافتی را هم پیاده بالای تپه، دیدم که مالک ده نه تنها اهالی خود را بلکه از دهات دیگر نیز دهقانان را همسراه با گاو و خودش جمع کرده منطقه بسیار بزرگی را که تراکتور قادر به شخم زدن آن نبوده با گاو و شخم میزند و خود غن‌ها را بجا جولان میداد. در بالای تپه، دوغ همراه با بیخ و بیخچال نقی ارباب که در آنجا رایج شده بود و با غذائی که از منزل آورده بودند مشغول بود. در آنجا هیچ لذتی به من و دوستم دست نداد فقط به متلکی که او به انقلاب سفید گفت و گفته انقلاب شش‌گانه را با یک لغت محلی ترجمه کرد که معنی زشتی میداد و به مفهوم انقلاب سفید میخورم بخندیدیم. که خدای ده من که پیش او توکر بوده تصدیق میکرد که همین شخص کیف زنتها را برای پاک کردن اسلحه بمنزل میبرد و معلوم است چرا و این شخص مقدار زیادی روغن کرمانشاهی و شیر به تهران برای سبزی دولتی میفرستاد و هر تعطیل هفته بساط تریاک و قمار برای روسای شهر مربوط ترتیب میداد.

و یکی از رسومات این ناحیه از نظر چاپلوسی دهقانان این بوده است که هر وقت مالک به مسافرت میرفته است، موقع برگشت هرکس میبایستی مقداری کک خرج سفر به مالک ببرد از بد شنیدن این بر این قابل قبول نبود ولی بعد از تحقیق فهمیدم خبر صحیح است. با آنکه دهقانان برای سوخت زمستانی... نیاله درست میکنند... آنوقت از این تپاله‌ها میبایستی هر خانواده‌ای درصدی به مالک بدهد که هنوز هم میداند... نقل از "دانشجو"

اینها از مظاهر بقایای قبودالیسم در دهاتی از ایران است.

جبهه آزادیبخش ظفار ارتش اشغالگرایران را بدریا خواهد ریخت